

کوتاه از دیپلماسی

امیرعبداللہیان درباره ماجرای عکس یادگاری جایی ایستادم که جایگاه واقعی جمهوری اسلامی ایران بود

● ایسنا؛ حسین امیرعبداللہیان، وزیر امور خارجه، دوشنبه‌شب در گفت‌وگوی ویژه خبری شبکه ۲ سیما در پاسخ به سؤالی در ارتباط با برخی از حواشی ایجادشده درباره عکس دسته‌جمعی مقامات شرکت‌کننده در نشست بغداد و جایی که او ایستاد، گفت: «من در این نشست در جایی ایستادم که جایگاه واقعی ایران و نماینده جمهوری اسلامی ایران بود». امیرعبداللہیان در این گفت‌وگوی زنده که با موضوع برنامه‌های وزارت امور خارجه در دولت سیزدهم بحث می‌شد، در پاسخ به سؤالی درباره برجام و مذاکرات وین و برخی از موضع‌گیری‌های کشورهای غربی ازجمله آمریکا در ارتباط با این مذاکرات گفت: «گاهی اوقات می‌بینم که مقامات آمریکایی مصاحبه‌هایی انجام می‌دهند و برخی از حرف‌های تکراری و غیرسازنده‌ای را که همواره می‌زدند، تکرار می‌کنند. ازجمله اینکه مثلاً پیشنهادات ما برای همیشه روی میز نیست». وی با اشاره به دیدار چندی پیش خود با نماینده اتحادیه اروپا در مذاکرات برجام که برای شرکت در مراسم تحلیف رئیس‌جمهور به تهران سفر کرده بود، اظهار کرد: «من در دیدار به نماینده اتحادیه اروپا گفتم که آمریکایی‌ها از ادبیات تهدید علیه ایران نتیجه‌ای نمی‌گیرند و تا زمانی که مؤدیانه با مردم ایران صحبت نکنند، به نتیجه‌ای نخواهند رسید و آنها باید از این ادبیات دست بردارند؛ چراکه این‌گونه ادبیات پیام سازنده‌ای را به دولت جدید ایران منتقل نمی‌کند. آنها باید ضرور کنند که آیا تاکنون از این ادبیات دستاوردی داشته‌اند یا نه».

امیرعبداللہیان ادامه داد: «ما به‌صورت شفاف اعلام کرده‌ایم از مذاکراتی که در آن منافع ملت ایران محقق شود، استقبال می‌کنیم. به دنبال فرار از میز مذاکره نیستیم و دولت سیزدهم مذاکراتی را پیگیری می‌کند که در آن به دستاوردهای ملموسی در راستای تأمین منافع و حقوق مردم ایران برسد و منافع ایران و مردم ایران تأمین شود». او با اشاره به مورد توجه فراگرفتن هرچه بیشتر دیپلماسی اقتصادی در وزارت خارجه در زمان صدارت او در این وزارتخانه گفت: «در این چند روز از همکاریم خواسته‌ام در همه قاره‌ها و حوزه‌ها چند کشور را به‌عنوان اولویت مشخص کنند و با دیگر کشورها ارتباط متناسب و تعامل با وزن و جایگاه با آن کشور ادامه خواهد داشت. در این زمینه از نظر ما اروپا فقط تروئیکای اروپایی یعنی آلمان، فرانسه و انگلیس نیست. اروپا از نظر ما فقط این سه کشور نیستند. کشورهای مختلفی در اروپا هستند که از ظرفیت‌های فراوانی برخوردارند. اروپا یک اروپای یکدست نیست و تمام اروپا نیز تروئیکای اروپا نیست». وی همچنین تأکید کرد: «سیاست خارجی دولت سیزدهم سیاست خارجی متوازن، پویا و هوشمندانه است».

وزارت دفاع روسیه اعلام کرد

● ایسنا؛ وزارت دفاع روسیه اعلام کرد با همکاری ایران، جمهوری آذربایجان و قزاقستان در دریای خزر رزمایش مشترک برگزار خواهد کرد. به گزارش خبرگزاری رویترز، وزارت دفاع روسیه روز سه‌شنبه با انتشار اطلاعیه‌ای در برگ‌زاری رزمایش دریایی مشترک با ایران، آذربایجان و قزاقستان در دریای خزر خبر داد. وزارت دفاع روسیه ضمن اعلام این خبر تصریح کرد این رزمایش اواخر ماه سپتامبر (ماه جاری میلادی) با حضور کشتی‌های کوچک مسلح به موشک و همچنین توپخانه‌هایی از ایران، آذربایجان و قزاقستان برگزار خواهد شد.

محمد آزاد: «غلامحسین حسن‌تاش» آدم معروف حوزه نفت است. چیزی را که بگوید یا بنویسد خیلی‌ها می‌خوانند، نفتی‌ها که هیچ. اصلاح‌طلبی شناسنامه‌دار است؛ اما از نقد وزیر نفت محبوب اصلاح‌طلبان ابایی ندارد؛ حتی اگر لقب «شیخ‌الوزایی» داشته باشد. مواضعش را به گفته خود براساس منافع ملی تعریف می‌کند و از این زاویه به قراردادهای محبوبی که زمانی گفته می‌شد برای نفت مملکت معجزه می‌کند، انتقاد می‌کند تا نحوه پیش‌بینی نفت در یوچه. در انتقاد از اشخاص بسیار محتاط است و می‌گوید کاری به شخص ندارد. حتی انتقادهای پیشین خود به وزیر محبوب اصلاحات را نمی‌خواست بازگو کند و نگران انگیزه این کار بود؛ اما راضی شد دوباره بگوید و خوب هم شد: چراکه آن انتقادها در یک قالب واحد و بالایش شده درآمد که هرکس می‌تواند به قضاوت آن بنشیند و هم بسیاری مسائل فنی دیگر ضمن آن به میان آمد.

❧ اگر اجازه بدهید بحث را از دوگانه تکیه بر توان داخل در برابر همکاری با شرکت‌های بین‌المللی یا به‌اصطلاح «غول‌ها» آغاز کنیم. شما از ابتدا به‌شدت مخالف رویکرد آقای زنگنه به مسئله بوده‌اید (که اکنون وزارت نفت به نقطه ضعف دوران شما تبدیل خواهد شد و دستاوردهای مثبت شما را هم تحت‌الشعاع قرار خواهد داد).

ممنون از اینکه بنده را به مصاحبه دعوت کرده‌اید.

قبل از هر چیز لازم است اشاره کنم که بنده در شرایط فعلی علاقه و انگیزه‌ای به پرداختن به مسائل گذشته که به سؤال شما هست، ندارم؛ ولی اگر شما و روزنامه شما به هر دلیلی به این مسائل علاقه‌مند است و آن را لازم می‌دانم، من پاسخ می‌دهم. این سؤال شما دو قسمت دارد که به تفکیک پاسخ می‌دهم.

اول بنده هرگز مخالف همکاری با شرکت‌های خارجی نبوده و جزء کسانی نبوده‌ام که معتقد باشم ما هیچ نیازی به خارج نداریم و این فکر را غلط می‌دانم. حرف بنده این بوده است که شرکت‌های خارجی فقط شرکت‌هایی که در گذشته به هفت خواهران نفتی معروف بودند و چند شرکت بزرگ که رقیب آنها بودند یا به تغییر شما غول‌ها نیستند و اصولاً سازوکارها در صنعت نفت جهان تغییر کرده است و نیز معتقد بودم که ما باید به توانایی‌های داخلی‌مان اهمیت بدیم و حتی در استفاده از خارجی‌ها هم قبل از هر چیز، یعنی در کنار توسعه میدان و اجرای پروژه‌ها، به فکر انتقال دانش و مدیریت باشیم و به نحوی عمل کنیم که توانایی‌های داخلی را ارتقا دهیم نه آنکه احیاناً توانایی‌های داخلی را سرکوب کنیم که راه را برای غول‌های خارجی باز کنیم. نظر من این بود که در دنیای امروز استفاده از امکانات خارجی در جایی که ضعف و کمبود و خلأ داریم، لزوماً مستلزم استفاده از شرکت‌ها یا به قول شما غول‌هایی که ذکر شد، نیست.

دوم؛ بله بنده نامه‌ای را به جناب آقای خاتمی نوشتم که البته مضمون آن به این مسئله‌ای که اشاره شد مربوط یا محدود نبود و ناظر بر کل عملکرد وزیر نفت ایشان بود. اینک ۱۸ سال از تاریخ آن نامه می‌گذرد و اتفاقاً می‌توان قضاوت کرد که پیش‌بینی من در آن نامه چقدر درست بوده است. مقایسه تمام شاخص‌ها نشان می‌دهد که عملکرد دوره ریاست‌جمهوری جناب آقای خاتمی از یک دوره قبل از آن و هم دوره‌های بعد از آن، تا امروز، بهتر بوده است (دوره جنگ را جدا کردم؛ چون شرایط ویژه بوده و مسائل خود را دارد و قابل مقایسه نیست) و سطح فساد هم کمتر بوده است؛ اما اگر روزی بخواهند ایرادی از دوره ایشان پیدا کنند، ضعیف‌ترین حلقه عملکرد ایشان در وزارت نفت است. پرونده‌های ارتش‌ای شرکت‌های توتال و استات‌اولیل، پرونده زیان‌بار قرارداد کرنت، پرونده زیان‌بار قرارداد صادرات گاز به پاکستان، طرح‌های زیان‌بار مایع‌سازی گاز طبیعی که فقط هزینه به کشور تحمیل

کرده است و بسیاری موارد دیگر که می‌توان روی آن دست گذاشت و اغلب هنوز گریبان‌گیر کشور هستند.

❧ رویکرد شما به اصطلاح فرنگی «ارتدکس» نیست؛ چون عموماً اطرافیان اصلاحات به «تعامل با جهان» و درگیرکردن هرچه بیشتر آن در اقتصاد ایران به‌عنوان رویکردی راهبردی در سیاست نگاه می‌کنند. دراین باره به «جلسه جبهه مشارکت» که درباره آن نوشته‌اید هم می‌شود ارجاع داد. شما این رویکرد را قبول ندارید؟ یعنی مسئله را صرفاً فنی می‌بینید و به استدلالات سیاسی آن کار ندارید؟ با رویکرد شما پیامدهای سیاسی را هم مدنظر دارد؟

منظور شما را دقیقاً متوجه نمی‌شوم؛ اما معتقدم همه چیز را باید از ناحیه منافع ملی نگاه کرد. به نظر من توجیهی ندارد که ما مثلاً پروژه‌ها و طرح‌هایی را تعریف کنیم که احیاناً منفعتی و اولیونتی برای کشور ندارد و فقط ما را تبدیل به بازار خوبی برای شرکت‌های خارجی می‌کند تا آنها مثلاً بروند و به دولت‌هایشان فشار بیاورند که روابط با ما را خراب نکنند. ما در سیاست خارجی و سیاست اقتصادی باید در فکر منافع ملی باشیم.

این مسئله درست است که روابط اقتصادی خارجی روابط سیاسی را تحکیم می‌کند؛ ولی معنای روابط اقتصادی ایجادکردن منفعت یک طرفه برای شرکت‌ها یا دولت‌های خارجی نیست؛ بلکه باید رابطه به‌اصطلاح بر-برد باشد؛ اما نکته مهم این است که ببینیم تقدم و تاخر روابط سیاسی و اقتصادی چیست؟ به نظر من ما چندین تجربه داریم که نشان می‌دهد که روابط سیاسی بر روابط اقتصادی مقدم است. شرکت آمریکایی «کونوکو» در زمان ریاست‌جمهوری کلینتون به مرحله عقد قرارداد با ایران برای توسعه دو میدان نفتی هم رسید؛ ولی کلینتون مانع اجرای آن شد. در دوره موسوم به اصلاحات بعد از تلطیف روابط بین‌المللی و بعد از بازشدن فضای سیاسی و در فضای عنرضواهی آمریکایی‌ها از ایران دربراره کودتای ۲۸ مرداد بود که شرکت‌های اروپایی حاضر شدند قراردادهایی را در ایران ببندند و بعد هم که فضای سیاسی خراب شد، دیگر نیامدند. امروز بسیاری از کشورها و شرکت‌های خارجی از قید منفعه‌ای که می‌توانند از همکاری اقتصادی با ایران داشته باشند، گذشته‌اند که با آمریکایی‌ها دچار چالش نشوند. خیلی‌ها هم عملاً ما را فریب داده‌اند و به ما برای بعضی از همکاری‌های اقتصادی نزدیک شده‌اند که بعد بروند و از آمریکایی‌ها امتیاز بگیرند.

ضمناً باید اشاره کنم که محور جلسه «جبهه مشارکت» که اشاره کردید، این مسئله نبود؛ بلکه عملکرد منی وزیر نفت بود که من قبلاً به تفصیل نوشته‌ام. ❧ درباره قراردادها. شما باز به‌شدت منتقد قراردادهای «بیع متقابل» بوده‌اید و سپس فرادادهای «آی‌پی‌سی» را در دوره برجام «سارکی» دانسته‌اید که بحث بر سر آن فقط فرصت‌سوزی بود. جز آقای زنگنه که وزیر و اجرائی بودند، طراحی و اباید این قراردادها از کجا می‌آمد؟ و اینکه اصل مخالفت خودتان را ممکن است یک بار دیگر توضیح بدهید و بگویید چه بستنه‌ای از قراردادها مطلوب شماست؟ چون به گفته شما قراردادها باید متناسب با میدان مورد نظر و متنوع باشد.

جسارتاً برداشت شما از اینکه من مخالف یا منتقد قراردادهای بیع متقابل بوده‌ام، غلط است. من چند مسئله داشتم که اینجا توضیح می‌دهم. مسئله اول اینکه میادین هیدروکربنی (نفتی و گازی) از نظر مشخصات زمین‌شناسی، پیچیدگی فنی بهره‌برداری، میزان سرمایه‌گذاری مورد نیاز، ریسک سرمایه‌گذاری و بسیاری موارد دیگر با دیگر کمقیت متفاوت هستند؛ بنابراین انتخاب یک شیوه سرمایه‌گذاری یا یک نوع قرارداد برای این همه تنوع علامت نادانی است. مثال ساده و همه‌فهمی برای شما بزنم: اگر شما یک قطعه زمین داشته باشید و بخواهید روی آن سرمایه‌گذاری و مطالعه کنید و معلوم شود بهترین و پربازده‌ترین سرمایه‌گذاری روی این زمین تبدیل

آگهی مناقصه عمومی شماره (۱) موسسه پژوهش های برنامه ریزی ، اقتصاد کشاورزی وتوسعه روستایی در نظر دارد تعداد ۸۰ دستگاه رایانه (PC) خریداری نماید . متقاضیان می توانند برای اطلاع از شرایط کامل مناقصه و دریافت اسناد و پیشنهاد قیمت به سامانه خدمات الکترونیک دولت (ستاد) به آدرس: SETADIRAN.IR مراجعه و اقدام نمایند.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت کاترن سازی تهران با مسئولیت محدود ثبت شده به شماره ۱۲۷۹۳ (منحله و در حال تصفیه) شناسه ملی: ۱۰۱۰۵۴۹۱۸۱۶

بدینوسیله از کلیه شرکا، شرکت مذکور دعوت میگردد تا در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت مذکور که در ساعت ۱۰ روز ۱۴۰۰/۰۶/۲۴ در نشانی واقع در خیابان دکتر مفتاح–میدان هفت تیر پلاک ۵ مجتمع نگین آبی طبقه دوم واحد ۲۰۲ تشکیل می گردد حضور بهم رسانید.

دستور جلسه:
تغییر نشانی محل تصفیه
مدیر تصفیه – مهر داد آگریه
آگهی دعوت مجامع عمومی شرکت پنجره دوجداره همپارس مهد شاهورد با مسئولیت محدود ثبت شده بشماره ۴۶۶۲۲۰ شناسه ملی ۱۴۰۰۵۴۶۰۸۶۶ بدینوسیله از کلیه سهامداران یا وکلای رسمی اتان دعوت به عمل می آید که در جلسه مجمع عمومی فوق العاده و عادی بطور فوق العاده این شرکت به ترتیب راس ساعت ۹ و ۱۱ روز مورخه ۱۴۰۰/۰۶/۲۱ در محل اصلی شرکت حضور بهم رسانند.دستور جلسه:
مجمع عمومی فوق العاده ۱ – انتقال سهم الشرکه مجمع عمومی عادی فوق العاده ۲– انتخاب و تعیین سمت مدیران و تعیین حق امضا، ۳– هر نوع تصمیمی که در صلاحیت مجمع باشد .
رئیس هیات مدیره

اقتصاد

حسن تاش در مصاحبه با «شرق»:

بعضی هنوز در دوران جنگ سرد مانده‌اند

است اسما نهی ا از این همکاری در نظر شما از کجا می‌آید؟

همان‌طورکه در پاسخ سؤال قبل‌تان اشاره کردم همه فعالیت‌های توسعه میادین متوقف به این شد که IPC طراحی شود؛ در‌صورتی‌که از همان اوایل بعد از برجام احتمال ریاست‌جمهوری «ترامپ» مطرح شد و شعار ترامپ هم خروج از برجام بود و قابل پیش‌بینی بود که شرکت‌های بزرگ که قبلاً صابون جرایم آمریکا به تئشان خورده و در آمریکا منافع دارند تا این مسئله روشن نشود، قرارداد نخواهند بست. می‌شد خیلی کارها کرد که متأسفانه نشد.

در قسمت دیگر سؤال شما فرضتان بر این است که فناوری فقط در اختیار غول‌ها به قول شما یا به قول من هفت خواهرسان قدیم و چند رقیب تاریخی آنهاست. جسارتاً این فرض غلط است و این غول‌ها خودشان در فناوری از بسیاری از شرکت‌های کوچک استفاده می‌کنند و اصولاً افزایش نقش و اهمیت فناوری و کاهش هزینه ناشی از فناوری بود که موجب کاهش اهمیت سرمایه و افزایش اهمیت فناوری در صنعت نفت جهان شد و ترکیب تاریخی صنعت جهانی نفت را تغییر داد و اهمیت تاریخی غول‌ها را بسیار کم کرد و اتفاقاً یک نقد من این بوده که وزیر وقت نفت در دنیای هفت خواهران زندگی می‌کند در صورتی که آن دنیا عوض شده است. از اینجا می‌خواهم یک گریز بزنم به اینکه اصولاً به نظر من یکی از مشکلات بسیار بزرگ کشور این است که ما قادر به درک و فهم بهنگام تحولات جهانی و تغییر الزامات جهانی و تطبیق نظام تصمیم‌گیری‌مان با تحولات و الزامات جدید نیستیم و به عبارتی گاهی فرزند زمان خودمان نیستیم. مثلاً بعضی‌ها که روی سیاست خارجی مؤثرند به نظر من هنوز در دوران جنگ سرد گیر کرده‌اند. ضمن اینکه اگر در جایی منافع ملی ایجاد کند و امکانش هم باشد بنده با حضور غول‌ها هم مخالفتی ندارم نه اینکه بگویم یا غول یا هیچ.

❧ شما با ذکر تجربه عراق، پیشرفت با سرمایه‌گذاری خارجی را «افسانه» خوانده‌اید. برآوردهای پیشرفت عراق را همان موقع هم بسیاری از کارشناسان مثل شما بلندپروازانی می‌دانستند. اما نفت عراق کم هم پیشرفت نکرد یعنی در هفت سال از ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۶ از ۲۰۴ میلیون بشکه در روز به ۲۰۵٫۵ میلیون بشکه رسید. پس از انقلاب تمام تلاش ما تولید را برای کوتاه‌مدتی به چهار میلیون بشکه در روز رساند و درباره عراق حرف است. می‌توان تحقیق کرد که این حرف چقدر درست از آب درآمده و بخش عده‌های را بحث همان جلسه مورد اشاره شما (در جبهه مشارکت)، در همین مورد بود. برگردم به همان مثال زمین، اگر شما در‌مورد زمین‌تان مطالعه نکرده باشید تا به آن نتیجه برسید که بهترین کار ساخت پارکینگ است؛ بلکه قبل از مطالعه پیمانکار بزرگی را صدا کنید و بگوییم من می‌خواهم تا تو قرارداد ببندم که در این زمین یک چیزی بسازی؛ پیمانکار به شما پیشنهاد می‌دهد بلکه پیشنهاد ساخت یک برج می‌دهد که کار بزرگ و پردرآمد برای خود ایجاد کند، بعد هم پولش را می‌گیرد و می‌رود و برج روی دست شما می‌ماند که حال واحدهایش را بخزند یا بخزند. قرارداد بیع متقابل هم در واقع یک قرارداد پیمانکاری است.

نقد نسوم من این بود که این درست نیست که شما همه توانایی‌های داخلی را سرکوب و تخطئه کنید که توجیه کنید که راهی جز آمدن غول‌های خارجی نیست که متأسفانه این کار می‌شد؛ در‌صورتی‌که خیلی از میادین هم قابل واگذاری به شرکت‌های داخلی یا ترکیبی از شرکت‌های داخلی و خارجی بود. این عمده نقدهای من است. در‌مورد IPC هم بحث من تکرار همان مسئله بود که نمی‌توان یک نوع قرارداد را برای همه میادین استاندارد کرد و همان‌قدر که استانداردکردن بیع متقابل غلط بود، استاندارد کردن IPC غلط است. نظر من همیشه این بوده و هست که ما با داشتن ده‌ها میدان بزرگ و کوچک هیدروکربنی، قبل از هرچیز باید طرح جامع توسعه میادین هیدروکربنی را تدوین کنیم و داشته باشیم و اولویت‌ها را مشخص کنیم و بعد نیازهای توسعه آنها را مشخص کنیم سپس به دنبال راهکارهای تأمین آن نیازها اعم از تکنولوژی و سرمایه برویم و در این جهت از ابزارهای لازم استفاده کنیم. همیشه بحثم این بوده است که قراردادبستن هدف نیست بلکه ابزار و وسیله‌ای است برای تأمین کمبودها و تأمین منافع ملی و توسعه میادین حسب برنامه و اولویت است اما به نظر من برای آقایان به هر دلیل صرف قراردادبستن هدف بود یا لااقل عملکردشان این را نشان می‌دهد؛ بنابراین نه برنامه و نه اولویت‌هایشان مشخص بود و کلاً تنها دنبال این بودند که قراردادی را طراحی کنند که به قول خودشان برای شرکت‌های بزرگ نفتی جذاب باشد. در‌مورد IPC، من به اینکه همه کارها و توسعه میادین را متوقف کنیم که قرارداد جذب برای غول‌ها طراحی شود مخالف بودم ولی عملاً این اتفاق افتاد و فرصت‌هایی را از دست دادیم.

❧ سؤال دیگر درباره تجربه همکاری عراق با شرکت‌های بین‌المللی؛ نوشته‌اید که از یک جایی این افزایش تولید متوقف شد. اینجایی که می‌گویید یکی از بزرگ‌ترین شوک‌های قیمت نفت است که از ۲۰۱۴ شروع شد و در ژانویه ۲۰۱۶ به کمترین میزان در ۱۳ سال رسید. اثرات بلندمدت آن را شما که اسناد هستید بهتر می‌دانید: کاهش سرمایه‌گذاری در صنعت و کاهش تولید در سطح جهان. روند بهبود آن نیز گرچه آغاز شد اما سریعاً به فاجعه کرونا ختم شد. به دأش نیز اشاره کرده‌اید که به مناطق نفتی دسترسی نداشت، درست است، اما آشفتنگی سیاسی به نظر شما روی

عملکرد دولت در اقتصاد از جمله در بخش نفت اثر ندارد؟ مثلاً نوشته‌اند درگیری بر سر قراردادهای نفتی و بودجه میان اربیل و بغداد بر تولید اثر منفی داشته است. دلایل دیگری هم برای توقف این رشد تولید وجود دارد که نقل آن زیاده‌گویی است. این عوامل را در ثابت‌ماندن رشد تولید عراق دخیل می‌دانید یا نه؟

همان‌طورکه در پاسخ سؤال قبلی توضیح دادم قراردادهایی که قرار بود تولید نفت عراق را به ۱۰۰۵ میلیون بشکه برساند در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ متعقد شده بود؛ بنابراین ربطی به کاهش قیمت نفت و به کاهش سرمایه‌گذاری‌ها در سال ۲۰۱۴ ندارد. بله فرمایش شما درست است؛ ممکن است کاهش‌های اخیر عراق به خاطر فقدان تقاضا بعد از کرونا باشد اما چنانچه ذکر کردم قرار بود در سال ۲۰۱۷ تولید نفت عراق به ۱۰۰۵ میلیون بشکه در روز برسد، در حالی که تولید رکورد قبل از کرونای تولید عراق از ۴۰۷ میلیون بشکه در روز تجاوز نکرده و این در حالی است که عراق به دلیل سوابق عقب‌افتادگی تولیدش مشمول سهمیه‌بندی اوپک هم نبوده و محدودیتی نداشته است. این شش میدانی هم که قرار بوده تولیدشان به ۱۰۰۵ میلیون بشکه در روز برسد همه در جنوب عراق هستند و ربطی به کردستان عراق ندارند و اگر می‌خواستم دقیق‌تر بررسی کنم و روی این شش میدان تمرکز کنم که افسانه‌سازی‌های شرکت‌های نفتی بیشتر آشکار می‌شد.

البته شرکت‌های نفتی چنانچه قبلاً در یادداشتی تحت عنوان «افسانه‌سازی از نفت عراق» توضیح داده‌ام از قبل این افسانه‌سازی‌ها سبود خود را برده‌اند چون وقتی بر اساس این افسانه‌ها قرارداد منعقد کردند به محض انعقاد قرارداد ارزش سهامشان افزایش یافت ولی ۱۰ سال طول کشید تا معلوم شود که به قول معروف خالی‌بندی بوده علاوه بر این به محض عقد قرارداد قدرت وام‌گیری‌شان افزایش یافت. بحث اصلی این است که در این دنیا هر کسی به فکر منافع ملی یا منافع شرکت خودش است و می‌توان با طناب دیگران در چاه رفت و باید سفت و سخت مراقب منافع ملی خودمان باشیم.

❧ امروز بحث میادین مشترک در کشور بسیار داغ است. شما هم در مطلبی پیش از این از وضعیت آن در ایران ابراز نگرانی کرده‌اید. اول می‌شود توضیح بدهید سازوکار و نسبت دو کشور درداشت از میادین مشترک چگونه است؟ تصور بنده این است که این مسئله که شکل اشتراک یک میدان چگونه است برای بسیاری از مردم –ازجمله خود من– روشن نیست. برای روشن‌شدن سؤال بگویم؛ مثلاً محدوده اشتراک یک میدان با کشور دیگر مثل مرز میان دور کشور که چیست؟

میادین مشترک هیدروکربنی میادینی هستند که بین دو یا گاهی چند کشور مشترک هستند. در میادین مشترک خشکی در واقع خط مرزی میدان را بین دو کشور تقسیم کرده است ولی در میادین هیدروکربنی دریایی قدری مسئله فرق دارد. اگر دقت کنید رژیم حقوقی خیلی فاسر و اغلب دریاهای آزاد عملاً دوگانه است و خط مرزی از نظر تصرف آب‌ها، با فاصله‌ای از ساحل تعریف شده و داخل این فاصله جزء آب‌های کشورها محسوب می‌شود و خارجی بدون اجازه نمی‌تواند وارد شود و خارج از آن به عنوان آب‌های بین‌المللی شناخته می‌شود و همه می‌توانند عبور و مرور کنند. اما مسئله در‌مورد خط‌الرأس زیر بستر متفاوت است و ذخایر زیر بستر براساس خط‌الرأس در یا به خط منصف (هرکدام که توافق شده باشد) بین کشورها تقسیم می‌شود. در‌مورد نحوه بهره‌برداری از ذخایر مشترک هیدروکربنی متأسفانه هیچ قانون بین‌المللی‌ای وجود ندارد؛ یعنی ممکن است مثلاً یک‌سوم وسعت یک میدان در محدوده تحت مالکیت یک کشور و دوسوم آن در محدوده کشور همسایه باشد ولی کشوری که یک‌سوم را دارد خیلی دود بخندد و در سمت خود جاه‌های متعدد بزند و بتواند دوسوم یا بیشتر از ذخیره میدان را برداشت کند. در این صورت قانونی وجود ندارد که مانع شود. البته ممکن است کشورها خودشان بنشینند و برای اینکه در رقابت با یکدیگر ذخیره میدان را از بین نبرند یعنی تولید کل میدان غیرصیاتی نشود، توافقاتی را با هم انجام دهند.

❧ می‌شود بفرمایید بهترین کار برای بهره‌برداری مناسب از میادین مشترک چیست؟ بسیاری می‌گویند تنها راه این است که مانند رقیباً –و اینجا بازی می‌گردیم سروقت مباحث اولی– قرارداد جذاب ببندیم و با غول‌ها معامله کنیم تا عیب نمانیم؟ مثلاً برای همه میادین مشترک، مانند میادین پیرسک دریایی مشترک که فرمودید، قرارداد مشارکت در تولید را پیشنهاد می‌کنید؟ یا بین این میادین‌هم تفاوت وجود دارد؟ اساساً مشکل ما در میادین مشترک چیست؟

اولین نکته‌ای که باید عرض کنم این است که اولویت بهره‌برداری از یک میدان مشترک هم وحی منزل نیست، به این معنا که اگر مثلاً منابع ما محدود بود و امکانات نداشتیم باید نگاه کنیم که بهره‌برداری کشور رقیب ما از میدان مشترک چیست. خوب اگر مثلاً او هم فعلاً بهره‌برداری نمی‌کند و ما هم امکانات نداریم ممکن است تا رقیب سراج آن نرفته ما هم سراج آن نرویم ولی باید هوشیار باشیم و آمادگی داشته باشیم که به‌موقع فعال شویم؛ البته اگر منابع و امکانات نامحدود داشته باشیم بحث دیگری است. اما وقتی می‌بینیم که کشور رقیب دارد با سرعت روی میدان کار می‌کند و چاه می‌زند و بهره‌برداری می‌کند و ممکن است همه ذخیره میدان را تخلیه کند و چیزی عاید ما نشود، باید تسریع کنیم و اگر خودمان امکانات و سرمایه نداریم، به هر قیمتی و با هر نوع قراردادی هر قدر می‌شود از سهم خودمان را به چنگ بیاوریم.

ادامه در صفحه ۸